

## در جستجوی ضرب‌المثل‌های انگلیسی چاره‌ساز

کریم امامی

ضرب‌المثل‌ها همیشه برای مترجمان مسأله‌ساز هستند. با آنها چه باید کرد؟ ترجمهٔ لفظ به لفظ، یا کوشش برای یافتن ضرب‌المثل مشابهی برای آنها در زبان مقصد؟ همیشه می‌توانیم از ترجمهٔ لفظ به لفظ به عنوان واپسین علاج سود بجوئیم - البته همراه توضیحی در پاورقی حاکی از این که عبارت بی‌مزه‌ای که در متن آمده در اصل یک ضرب‌المثل شیرین پر معنا در، مثلاً، زبان آلبانیایی بوده است - ولی پیش از آن باید بکوشیم که ضرب‌المثل اصیلی در زبانی که به آن ترجمه می‌کنیم برای عبارت مورد نظر بیابیم.

برای این جستجو نیاز به ابزار داریم و در این مورد دیکشنری‌های عام انگلیسی یا امریکایی چندان چاره‌ساز نیستند؟ باید به فرهنگ‌های بزرگ دو زبانه و معادل‌یاب‌های اصطلاحات فارسی - انگلیسی مراجعه کنیم. تعدادشان هم زیاد نیست. «فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی به انگلیسی» سلیمان حسین (تهران، بروخیم، بی تا [۱۳۳۴]، ۷۵۰+۶۲ص) که تنها یک بار چاپ شده و بشدت نایاب است؛ «فرهنگ جامع فارسی - انگلیسی» همان زنده یاد (۲ج، بروخیم، ۱۳۱۴؛ ج جدید: ۲ج در یک جلد، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳) که بیشتر مواد «فرهنگ ضرب‌المثل‌ها...» در آن یافت می‌شود؛ «فرهنگ اصطلاحات انگلیسی به فارسی» شاپور اردشیر جی ریپورتر (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵) که آن هم نایاب است و همچنان که از عنوانش برمی‌آید بیشتر تکیه بر اصطلاحات (idioms) دارد تا بر ضرب‌المثل‌ها (proverbs) و سرانجام «فرهنگ مثل‌های فارسی با معادل‌های انگلیسی و فرانسه» تألیف آقای احمد ابریشمی (تهران، بی تا، ۱۳۷۳) که نقطهٔ قوتش معادل‌های انگلیسی آن نیست. البته تعدادی فرهنگ دیگر هم هستند که باید آنها را بیشتر از مقولهٔ خوشه‌چینی و گردآوری به حساب آورد.

تورقی در این فرهنگ‌ها به خواننده نشان خواهد داد که تعداد ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی مشابه چندان زیاد نیست و شاید آن تعداد مثلی که با هم مطابقت دقیق داشته باشند از یکصد مورد تجاوز نکند. یافتن بعضی از این ضرب‌المثل‌های مشابه اخیراً مدتی مایهٔ سرگرمی و دلمشغولی جمعی از اعضای انجمنی بود که عضو یک شبکهٔ کامپیوتری نوپنیا در ایران هستند. به اعضای انجمن «علاقه‌مندان ادبیات انگلیسی» در شبکهٔ اطلاع‌رسانی ندا رایانه.

قضیه از این قرار بود که یکی از اعضا داوطلب برگزاري مسابقه‌ای شد برای «ترجمه و معادل‌یابی ضرب‌المثل‌های فارسی در انگلیسی». وی در آغاز هر هفته یک ضرب‌المثل یا اصطلاح فارسی را به انتخاب خودش موضوع سؤال آن هفته قرار می‌داد و به تریبون انجمن می‌فرستاد. اعضای علاقه‌مند هم به نوبهٔ خود می‌کوشیدند بهترین معادل انگلیسی را برای آن اصطلاح یافته و به نام خود به انجمن بفرستند. در پایان هفته

برگزار کننده مسابقه پاسخهای رسیده را ارزیابی می‌کرد و پاسخی را که به نظر او جوابگو بود اعلام می‌نمود و به شرکت‌کنندگان امتیازهایی می‌داد. این مسابقه ۱۰ هفته ادامه داشت و در پایان هفته دهم کاربری به نام فرزین (Farzin در شبکه) برنده مسابقه شد.

خوانندگان توجه داشته باشند که در انجمنهای یک شبکه کامپیوتری اشخاص متفاوتی حضور دارند. همه به حوزه اصلی فعالیت انجمن البته علاقه‌مند هستند، ولی بعضی در آن زمینه معلومات بیشتری دارند و برخی کمتر؛ بعضی در دادوستد و پیامهای انجمن فعالانه شرکت می‌کنند و برخی تنها به خواندن پیامها اکتفا می‌نمایند. از میان کسانی که در این مسابقه شرکت داشتند بعضی کاملاً به زبان انگلیسی مسلط بودند و بیشتر می‌کوشیدند با تکیه بر معلومات خود پاسخ بدهند؛ و عده‌ای دیگر با استفاده از کتابهای مرجعی که در اختیار داشتند پاسخ می‌گفتند و یکی دو نفر هم می‌کوشیدند از معلومات خود در یک زبان خارجی دیگر، که بر آن مسلط‌تر بودند، مثل فرانسه، سود بجویند. مروری در سؤالهای این مسابقه تصور بهتری از برابری ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی به خوانندگان خواهد داد.

● سؤال هفته اول: «کجدار و مریز»، از اعضا خواسته شد بهترین معادل ممکن را در انگلیسی برای آن بیابند.

پاسخهای متعددی رسید و سرانجام پاسخی که ۳ امتیاز کامل گرفت این بود:

to steer a middle course

برگزار کننده و داور مسابقه خودش پیشنهاد کرد که شاید to put on a balancing act معادل دقیقتر و بهتری باشد.

● سؤال هفته دوم: یافتن معادلی برای «کار نیکو کردن از پُر کردن است».

معادل انگلیسی این ضرب‌المثل کاملاً شناخته شده است و بیشتر شرکت‌کنندگان پاسخ درست دادند: Practice makes perfect.

● سؤال هفته سوم: این بار از شرکت‌کنندگان خواسته شد دو کار کنند:

الف) یافتن معادل رایجی در زبان انگلیسی برای ضرب‌المثل «مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد» و

ب) ترجمه دقیق همین ضرب‌المثل فارسی به انگلیسی.

در نتیجه بررسی پاسخهای رسیده معلوم شد بهترین معادل انگلیسی برای ضرب‌المثل فارسی این عبارت است: Once bitten twice shy و بهترین ترجمه دقیق: He who has been bitten by a snake fears the checkered rope.

● سؤال هفته چهارم: یافتن معادلی برای این جمله: «آزارش به مورچه هم نمی‌رسد».

یافتن معادل دشوار نبود و تنها مشکل آن این بود که در انگلیسی «مورچه» باید جای خودش را به «پشه» بدهد، به این شکل:

He wouldn't hurt a fly.

● سؤال هفته پنجم: ارائه معادل صحیح برای این مثل: «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو».

یافتن جواب درست برای اعضای انگلیسی‌دان انجمن آسان بود:

Do in Rome as the Romans do.

● سؤال هفته ششم: یافتن معادلی برای «از دل برود هر آن که از دیده برفت» این سؤال دشوار نبود و یک معادل قالبی که هم از نظر لفظ و هم از نظر معنا به آن نزدیک باشد برای آن در انگلیسی وجود داشت:

Out of sight, out of mind.

- سؤال هفته هفتم: ارائه معادل انگلیسی برای «اسب پیشکشی دندانهایش را نمی‌شمارند.» معلوم شد که این ضرب‌المثل فارسی هم معادل دقیقی در زبان انگلیسی دارد:

You don't look a gift horse in the mouth.

- سؤال هفته هشتم: معادل یابی یا ترجمه فصیح این جمله: «می‌خواهم ببینم چند مرده حلاج است.» شرکت‌کنندگان معادل قالبی رایجی برای جمله نیافتند ولی با توجه به معنای ضرب‌المثل که محک زدن توانایی و قابلیت شخص مورد بحث است جمله زیر از میان پاسخها استخراج شد:

I would like to find out how good/strong/capable/competent etc./he is.

- که استفاده از یکی از صفت‌های ذکر شده در جمله به دلخواه گوینده کافی است.
- سؤال هفته نهم: یافتن معادل برای «مگر آن‌که از روی نمش من رد نشوی»، که اولین جمله در رمان «بامداد خمار»، نوشته خانم فتانه حاج سیدجوادی است.

جواب درست؟ Over my dead body.

- سؤال هفته دهم: ارائه معادل انگلیسی برای «سگ هفت جان دارد.»

جواب: A cat has nine lives.

- بله، سگ تبدیل به گربه می‌شود و تعداد جانهایش هم افزایش می‌یابد.
- و به این ترتیب مسابقه به پایان رسید. حالا برای این که خوانندگان «مترجم» را هم از سؤالهای این مسابقه بی‌نصیب نگذاشته باشیم دو سؤال دیگر تقدیم حضورشان می‌کنیم:
- معادلی در زبان انگلیسی برای این ضرب‌المثل فارسی ارائه کنید: «تا تنور داغ است نان بچسبان.»
- این ضرب‌المثل فارسی را به انگلیسی ترجمه کنید. معادلش را در بالا نوشته‌ایم. «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو.»

پاسخ سؤالها را در «کارگاه ۵» اعلام می‌کنیم. شما هم می‌توانید اگر مایل باشید پاسخ خودتان را به دفتر مجله «مترجم» تا یک ماه بعد از تاریخ انتشار مجله بفرستید. جایزه‌ای در کار نیست ولی تشویق هست.

#### یادداشت‌های جدید برای مطالب کارگاه‌های پیشین

- در ادامه بحث‌مان درباره کاربردهای Iranian/ Persian/ Farsi (کارگاه ترجمه ۳)، با انتشار شماره اول «نامه فرهنگستان» (بهار ۱۳۷۴) بز ما معلوم شد که شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جلسه ۱۶ آذر ۱۳۷۱ خود مصوبه‌ای دارد خطاب به وزارت امور خارجه درباره ناصواب بودن استفاده از Farsi و اصلح بودن کاربرد Persian. (نشریه یاد شده، ص ۱۵۲)
- در چند سطر آخر «کارگاه ترجمه ۳» یک غلط چاپی در متن راه یافته بود. صحیح عبارت (b) به این شکل است: b) Bank of the Iranians